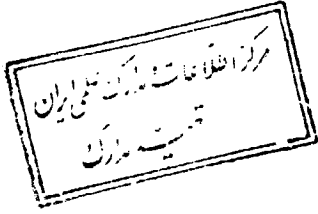


بیت الاحرار
حاکم الامم

۳۱۸۹۹



فرایند تحول در نظریه ولایت فقیه

۱۳۷۹ / ۱۲ / ۲۰

از مشروطه تا انقلاب اسلامی

(با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره))

پایان نامه ارائه شده به گروه علوم سیاسی
دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد

در رشته علوم سیاسی

توسط:

محمد مهدی باباپور

8927

استاد راهنما:

دکتر محمد باقر حشمت زاده

استاد مشاور:

دکتر داود فیرحی

تیر ماه ۱۳۷۸

۳۱۸۹۶

برگ تائیدیه پایان نامه

عنوان پایان نامه: فرایند تحول در نظریه ولایت فقیه از مشروطه تا انقلاب اسلامی
با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)

نام دانشجو: محمد مهدی باباپور

دوره: کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

این پایان نامه در جلسه ۱۴/۴/۷۸ با نمره ۱۶ و درجه بسیار مورد تأیید اعضای کمیته
پایان نامه، متشکل از استادان زیر قرار گرفت:

دکتر محمد باقر حشمت زاده
استاد راهنما
امضاء

دکتر داود فیروزی
استاد مشاور
امضاء

دکتر غفوری
استاد ناظر
امضاء

امضاء

اذعان

مطالب ارائه شده در این پایان نامه توسط اینجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی فروردین ۱۳۷۷ تا تیر ماه ۱۳۷۸ به انجام رسیده است به استثناء کمکهای مورد اشاره در سپاسگزاری محتوی این پایان نامه به طور کامل توسط اینجانب فراهم آمده است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرک دیگری به این دانشگاه یا دیگر دانشگاهها ارائه نشده است. و کلیه حقوق این پایان نامه متعلق به دانشگاه شهید بهشتی است.

محمد مهدی باباپور

شهریور ۱۳۷۸

مضاء

سپاسگزاری

با حمد و سپاس خداوند منان که به ما توفیق اندیشیدن عنایت فرموده و با تشکر از تمام افرادی که ما در راه کسب علم و دانش بیشتر رهنمون شدند.

در تشکیل این پایان نامه از کمکها و راهنمایی های بی دریغ اساتید محترم جناب آقای دکتر محمد باقر حمشت زاده به عنوان استاد راهنما و حجة الاسلام والمسلمین دکتر داود فیرحی استاد مشاور که با پیشنهادات و نظرات مفید و ارزنده شان بنده را مورد لطف خود قرار دادند تشکر و سپاسگزاری می نمایم.

والحمد لله اولاً و آخراً

چکیده

عنوان پایان نامه: فرایند تحول در نظریه ولایت فقیه از مشروطه تا انقلاب اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)

نام دانشجو: محمد مهدی باباپور

استاد راهنما: دکتر محمد باقر حشمت زاده

دوره: کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ ارائه پایان نامه: تیر ماه ۱۳۷۸

در این نوشتار پرسش اصلی اینست که چه تحولی در نظریه ولایت فقیه در دوران مشروطه بوجود آمد؟ در پاسخ به این پرسش چهار بخش در نظر گرفته شده است که در بخش اول سیر اجمالی از بحث ولایت فقیه از آغاز تا دوران مشروطه آمده است و در بخش دوم به ترابط نظریه دولت مشروطه و نظریه ولایت فقیه اشاره شده است و تحولی که در این دوره صورت گرفته است. در بخش سوم که از سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۴۲^{هجری} می باشد نظریه آیه... کاشانی و بروجردی مورد بحث قرار گرفته است و در بخش چهارم که فقط به دیدگاه امام پرداخته شد موضوع به طور تفصیلی تر مورد بحث قرار گرفته است و دیدگاه امام از حیث تحول و ثبات مورد بررسی قرار گرفت. که پاسخ ستوال اصلی این شد که در دوران مشروطه نظریه دولت مشروطه به عنوان ضرورت پذیرفته شده ولی امام (ره) گفتمان جدیدی را در گسست با نظریه مشروطه مطرح کرد و آن ولایت انتصابی مطلقه فقیهان می باشد که امام از آغاز تا پایان^{عمر} مبارکشان به این نظر اعتقاد داشتند و هیچ تحولی در دیدگاه امام صورت نپذیرفته بلکه آن چه رخ داده است تکامل بوده است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱-۷	مقدمه : طرح تحقیق
۸-۱۳	بخش اول : سیری اجمالی از بحث ولایت فقیه از آغاز تا مشروطه
۸	فصل اول : ضرورت حکومت
۸	۱ - ضرورت قانون برای جامعه
۸-۹	۲ - حکومت یک ضرورت اجتماعی
۹-۱۳	۳ - ضرورت حکومت اسلامی
۱۴-۳۰	فصل دوم : سیر اجمالی ولایت فقیه تا مشروطه
۱۴-۱۶	مقدمه
۱۶-۱۷	۱ - شیخ مفید (۴۱۳ هـ ق)
۱۷-۱۸	۲ - شیخ طوسی (۴۶۰ هـ ق)
۱۸-۱۹	۳ - محقق کرکی (۹۴۰ هـ ق)
۲۰-۲۱	۴ - مقدس اردبیلی (۹۹۳ هـ ق)
۲۱-۲۲	۵ - شیخ کاشف الغطاء (۱۳ هـ ق)
۲۲-۲۳	۶ - ملا احمد نراقی (۱۲۴۵ هـ ق)
۲۳-۲۴	۷ - صاحب جواهر (۱۲۶۶ هـ ق)
۲۴-۲۷	۸ - شیخ انصاری (۱۲۸۱ هـ ق)
۲۷-۲۸	نتیجه گیری
۳۰-۳۵	بخش دوم : نظریه دولت مشروطه و ولایت فقیه

فصل اول: اندیشه مشروطه خواهی.....	۳۰-۳۵
- مقدمه	۳۰-۳۱
- دلایل انقلاب مشروطه.....	۳۱-۳۴

فصل دوم: فقهاء و نظریه دولت مشروطه	۳۵
۱- واژه مشروطه.....	۳۵-۳۹
۲- فقهاء و مشروطه.....	۴۰-۴۳
الف - فقهاء مشروطه طلب	۴۳-۵۳
۱- شیخ اسماعیل محلاتی.....	۴۳
۲- آخوند خراسانی.....	۴۴-۴۷
۳- علامه نائینی	۴۷-۵۳
ب: فقهاء مشروعه خواه	۵۳-۵۷
- شیخ فضل الله نوری.....	۵۴-۵۷

نتیجه گیری بخش دوم.....	۵۸-۵۹
-------------------------	-------

بخش سوم: دوران پهلوی از آغاز تا ۱۳۴۲ و نظریه ولایت فقیه	۶۲-۸۰
فصل اول: اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران در دوره پهلوی اول	۶۲-۶۷
- مدرس	۶۷-۸۰

فصل دوم: اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران در دوره پهلوی دوم.....	۷۱-۷۲
- آیه الله کاشانی	۷۳-۷۵
- آیه الله بروجردی	۷۶-۸۰

بخش چهارم: دوران پهلوی دوم از ۱۳۴۲-۵۷ و امام خمینی (ره)	۸۲
---	----

مقدمه	۸۲-۸۴
فصل اول : مراحل طرح اندیشه ولایت فقیه توسط امام خمینی (ره)	۸۵-۱۲۳
۱ - طرح بحث ولایت فقیه در کشف الاسرار	۸۵-۸۷
۲ - طرح بحث ولایت فقیه در الرسائل، تحریر الوسیله، بیع و حکومت اسلامی ...	۸۷-۹۲
۳ - طرح بحث ولایت فقیه در دوران پیروزی انقلاب اسلامی	۹۲-۹۴
۴ - طرح تفصیلی بحث ولایت فقیه در اواخر عمر مبارکشان	۹۴-۹۷
فصل دوم : بررسی ثبات و تحول نظر امام ... درباره ولایت فقیه	۹۷-۱۱۷
۱ - مبنای مشروعیت ولایت فقیه	۹۷-۱۰۱
- امام خمینی (ره) و مبنای مشروعیت حکومت اسلامی	۱۰۲-۱۰۵
۲ - شرایط ولی امر	۱۰۵-۱۰۷
۳ - شئون و اختیارات ولی فقیه	۱۰۸-۱۰۹
- امام خمینی (ره) و ولایت مطلقه فقیه	۱۱۰-۱۱۷
- ولایت مطلقه فقیه و قانون اساسی	۱۱۷-۱۲۲
نتیجه گیری بخش چهارم	۱۲۳
نتیجه گیری	۱۲۴-۱۲۹

مقدمه

۱- طرح موضوع

مسئله حاکم و حکومت یکی از مهمترین مسائل فقهی، کلامی و سیاسی اندیشه اسلامی شیعه است. و بدیهی است که این مسئله در انعکاس مشکلات و پاسخ به معضلات جامعه اسلامی طرح شده است و حاکمیت این اندیشه در سایه رهبری حضرت امام (ره) ضرورت شناخت کامل این نظریه را دو چندان نمود.

در این رساله تلاش در جهت اثبات نظریه ولایت فقیه در دو جهت مرتبط به هم جریان دارد: ۱- درک مستندات فقهی و ۲- بررسی منطق تحول اندیشه در زمان. در ارتباط با قسمت اول مباحث زیادی بویژه در حوزه‌های علمیه صورت گرفت لکن راجع به قسمت دوم تلاش چندانی مشاهده نمی‌شود و این در حالی است که درک این اندیشه بسان هر اندیشه دیگر لزوماً نیازمند بررسی توأمان دورویه مزبور است.

رهبران روحانی تا زمان مشروطه، ولایت سیاسی فقهاء را زیاد مورد توجه قرار نمی‌دادند و این رهبری عمدتاً در جهت سلبی بود یعنی مبارزه در جهت نفی ظلم. اما از حیث اثباتی و اینکه نظام سیاسی مطلوب کدام است فاقد یک چنین جنبه بود و نظام جانشین و آلترناتیو نداشتند. بنابراین هر نظام سیاسی که بتواند ظلم را به حداقل برساند و در عین حال شعائر اسلام را حفظ کند برای آنها قابل قبول بود. از زمان مشروطه یک تحول اساسی پیدا شد که رهیافتهای رویکردهای جدیدی قابل مشاهده است. ورود علماء در نهضت مشروطه مبتنی بر تلقی سیاسی - فقهی ویژه‌ای بود و این حضور در مرحله اثباتی در حالیکه درصدد جایگزینی نظام سیاسی دیگری بر ویرانه‌های رژیم استبدادی برآمد تبعات نظری بسیاری داشت و چالش و کنکاشهای نظری تعیین‌کننده‌ای برانگیخت. این همه برخاسته از یک چیز بود، علمای دین به ضرورت موضعگیری اجتماعی سرانجام پایه محیطی گذاشته بودند که حال و هوای متفاوتی داشت. فضای جدید همراه با برخی جاذبه‌های نظری بنیادین بود که تعلق نظر برخی متفکران روحانی را فراهم کرده بود. مشروطه خواست تا بین نظریه حکومت اسلامی و نظام سیاسی مشروطه آشتی ایجاد کند، اما با موانعی روبرو شد و آن این بود که آن اهدافشان عملی نشد و روند نوسازی طبق الگوی غربی آغاز شده بود و نوری و تاحدی

مدرس اولین منتقدان آن بودند و اوضاع طوری شد که از دل مشروطه استبداد رضاخاننی ظهور و بروز کرد. ناتوانی مشروطه، استبداد رضا و محمد رضا شاهی، مقابله با فرهنگ اسلامی و گرایش به اندیشه باستان و ظواهر غربی و نیز استعمار و وابستگی دولتها به غرب، عواملی بودند که موضعگیری علماء را نسبت به وضع موجود با یأس و بدبینی همراه نمود.

آیه... بروجردی (ره) هم سعی می کرد تا با توصیه به دولت او را به احکام اسلامی توجه دهد. اما ضمن دلسردی از شاه و نظام مشروطه، بدون آنکه اندیشه جانشین ویژه‌ای را ارائه دهد با سیاست احتیاط زندگی می کرد. با توجه به شدت یافتن غربگرایی دولت و طرح لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی و لوایح شش گانه و لایحه کاپیتولاسیون، حضرت امام (ره) وارد صحنه سیاسی - اجتماعی شد و گفتمان جدیدی را درگسست باگفتمان مشروطه تأسیس کرد و با طرح بحث حکومت اسلامی تحت عنوان ولایت فقیه در سال ۱۳۴۸ در نجف آترناتیو و جانشین نظام مشروطه را در قالب نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه پی ریزی نمود. گرچه بحث ولایت فقه عمرش به قدمت فقیه شیعه می باشد اما اهمیت و هنر امام (ره) آن بود که توانست این نظر را وارد عرصه عمل کند. در این رساله فرایند تحول این نظریه از مشروطه تا انقلاب اسلامی با تأکید بر نظریه امام خمینی (ره) مورد بحث قرار می گیرد.

۲- پرسش اصلی :

- تحولات نظریه ولایت فقیه در دوران مشروطه چه بوده و چه علل و عواملی داشته؟ و یا
- نظریه ولایت فقیه در دوران مشروطه چگونه و چرا متحول شدند؟

۳- فرضیه اصلی

گسترش روند نوسازی طبق الگوی غربی باعث تحول اندیشه ها شد و هر چه مدرنیزاسیون و غربی شدن و سیاست واگرایی دولت شدت می گرفت نظریه حکومت اسلامی و ولایت فقیه نمایانتر می شد. منظور از مدرنیزاسیون و غربی شدن: صنعتی شدن، ترویج فرهنگ غرب، گسترش آموزش غربی بی حجابی و قضیه کاپیتولاسیون و ... می باشد بنابراین تز اصلی اینست که دگرگونیهای سیاسی - اجتماعی علی الخصوص جریان غربگرایی و تجددخواهی و واگرایی دینی دولتها نقش

اساسی در اثبات و تحول نظریه ولایت فقیه توسط امام خمینی (ره) داشته است.

۳- پرسش‌های فرعی:

- ۱- چه تحولی در مبانی مشروعیت نظریه ولایت فقیه در مقایسه با قبل بوجود آمد؟
- ۲- چه تحولی در حدود و شتون اختیارات ولی فقیه در نسبت به دوره قبل بوجود آمد؟
- ۳- ویژگیهای سیاسی - اجتماعی در این دوران چرا و چگونه بر تحولات فوق اثر داشتند؟

۵- اهمیت و علت انتخاب موضوع

از آنجائیکه هر اندیشه به مرور زمان ویژگیهای خاص سیاسی - اجتماعی زمان خودش دچار تحول می‌شود. و درک این نکته که عنصر زمان و الزامات آن چه تاثیری در نظریه‌های تاریخی و معاصر دارد؟ پیداست که شناخت این موضوع در توضیح جایگاه کنونی اندیشه سیاسی شیعه و کارکردهای آن نقش مستقیم دارد.

و موضوع ولایت فقیه یکی از موضوعات بسیار مهمی است که هسته مرکزی نظام جمهوری اسلامی است و تحقیق و بررسی عمیق پیرامون این موضوع به تحکیم و قوت آن می‌افزاید. و نهایتاً موجب تثبیت بیشتر نظام می‌گردد. و اهمیت این موضوع در اینست که چه فرایندی در دوران مشروطه طی شد تا در زمان امام (ره) این نظریه به حاکمیت رسید؟ و چه ویژگی و خصوصیتی در دیدگاه امام (ره) بود که توانست بر مبنای این نظریه حکومت اسلامی تأسیس نماید؟ و علت مهم انتخاب این موضوع روشن شدن این نظریه که اساس این نظام و یکی از اصول تغییرناپذیر قانون اساسی جمهوری اسلامی است می‌باشد.

۶- پیشینه موضوع و تحقیق:

بحث ولایت فقیه که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بیشتر مورد بحث قرار گرفته است قدمت تاریخی دوری دارد و به درازای فقه شیعه می‌باشد. بنابراین در آمار فقها گذشته دیدگاههای آنها بطور پراکنده آمده است. گرچه قبل از مشروطه و انقلاب اسلامی بیشتر فقهی و بعد از مشروطه انقلاب اسلامی بعنوان نظریه سیاسی و حکومتی مورد بحث قرار گرفت. بعد از انقلاب کتابهایی مستقل در

این باره نوشته شده از جمله: ولایت فقیه، آیت معرفت که در این کتاب ادله، مبانی مشروعیت و شتون ولایت فقیه مورد بحث قرار گرفته است.

کتاب نظریه‌های دولت در فقه شیعه تألیف محسن کدیور که به دیدگاه‌های مختلف فقهاء شیعه پرداخته که بررسی این نظریه‌ها عمدتاً بر مبنای مشروعیت دولتها می‌باشد.

کتاب حکومت اسلامی تألیف آیه‌ا... منتظری که به اثبات ولایت فقیه از طریق اخبار و روایات پرداخته و مشروعیت و حدود و اختیارات ولی فقیه را به تفصیل مورد بحث قرار داده است.

کتاب ولایت فقیه از آیه‌ا... جوادی آملی که به مشروعیت و حدود و اختیارات ولی فقیه پرداخته است. کتاب ولایت فقیه از آیه‌ا... آذری قمی که به آیات و روایات در این رابطه اشاره کرده است. کتاب ولایت فقیه از آیه‌ا... مصباح یزدی و آیه‌ا... طاهر خرم‌آبادی که به ادله اثبات ولایت فقیه مشروعیت و نقش مردم در این زمینه بحثهایی را مطرح کردند.

با استفاده از تمام این آثار و کتابها سعی می‌شود این نظریه در دوران مشروطه با توجه به فرایند تحولش و اوضاع سیاسی - اجتماعی این دوره مورد بررسی قرار گیرد که نسبتاً کار جدیدی است.

۷- مفروض‌ها

مکتب اسلام دارای نظام سیاسی و حکومتی است و غایت حکومت اسلامی خیر و سعادت دینوی و اخروی مومنین است. اندیشه سیاسی علمای شیعه عمدتاً حاصل تلاشی است برای بیان چگونگی تکلیف مومنین بر اساس اصول و ضوابط شرعی و هر چیزی که مانع انجام تکالیف شرعی مومنین و مسلمین است باید زدوده شود.

مفروض دیگر اینکه نظریه‌های سیاسی همواره متأثر از اوضاع و ویژگیهای سیاسی - اجتماعی دوره خودشان هستند و بعبارت دیگر نظریه‌ها و اندیشه‌ها فرزندان زمان خود هستند و نظریه ولایت فقیه بعنوان یک نظریه تابع این اصل می‌باشد.

۸- مفاهیم، متغیرها

ولایت: ولایت از ریشه «وَلَّی» به معنای «قَرَّب» می‌باشد. در اقرب الموارد اینگونه آمده است: «در کنار چیزی فرار گرفت و ولایت یا ولایت چیزی برعهده اوست، یعنی مالک کار او شد و

مسئولیت آن را به عهده گرفت^(۱)،

در معجم مقاییس اللغة آمده: «ولی بمعنای قرب است و هرکس سرپرستی کسی را به عهده بگیرد ولی امر محسوب می شود»^(۲). و مفهوم ولایت بمعنای زعامت، سرپرستی و ریاست می باشد. که منظور همان زعامت سیاسی می باشد.

فقیه: از واژه فقه می آید. فقه علمیهست که پیرامون افعال مکلفین بحث می کند، فقیه به کسی گفته می شود که متخصص در علم فقه باشد. یعنی بتواند احکام شرعیه را از روی ادله اربعه (کتاب، سنت، عقل و اجماع) استنباط و استخراج کند.

ولایت فقیه

یعنی زعامت و سرپرستی امور جامعه توسط یک فقیه جامع الشرایط در دوران غیبت. اساساً اضافه شدن ولایت به وصف عنوانی «فقیه» به این معناست که در واقع فقه اوست که حکومت می کند نه شخص. و آن شخص از این حیث که یک فقیه است (فقه دان) ولایت و سرپرستی امت را عهده دار است.

۹- روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی می باشد. فرازهای اصلی پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی می باشد: عصر مشروطه خواهی - دوران دیکتاتوری رضا و محمد رضا شاهی که براساس منطق تحول اندیشه در زمان تحلیل خواهیم کرد که چرا و چگونه برای یک مشکل ثابت در دو زمان و یا حتی در یک زمان دو راه حل متفاوت دیده می شود؟

روش جمع آوری دانسته های مربوط به موضوع عمدتاً کتابخانه ای است. و سعی شده است که در مرحله توصیف از آثار و نوشته های فقهای فقهائیکه پیرامون آن بحث کرده اند استفاده شود تا مطالب از اتقان بیشتری برخوردار باشد.

۱ - اقرب الموارد. جلد ۲، ص ۱۴۸۷.

۲ - معجم مقاییس اللغة، جلد ۶، ص ۱۴۱ و رجوع کنید به لسان العرب ۴۰۷/۱۵ و نهایه ابن اثیر ۲۲۷/۵.

۱۰ - سازماندهی پژوهش

این پژوهش دارای یک مقدمه و چهار بخش می‌باشد. در مقدمه به طرح تحقیق پرداخته شد. در بخش اول که مشتمل بر دو فصل می‌باشد. فصل اول پیرامون ضرورت حکومت و فصل دوم سیر اجمالی بحث ولایت فقیه می‌باشد. بخش دوم که دو فصل می‌باشد فصل اول اندیشه مشروطه‌خواهی و فصل دوم فقهاء و نظریه دولت مشروطه می‌باشد. بخش سوم که از سه فصل تشکیل شده است که فصل اول بررسی اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران در دوران مشروطه و فصل دوم مدرس و نظریه مشروطه و فصل سوم اوضاع سیاسی - اجتماعی دوران محمد رضا شاه و نظریه آیه‌آ... کاشانی و بروجردی مورد بحث قرار می‌گیرد.

بخش چهارم که دیدگاه امام خمینی (ره) می‌باشد شامل دو فصل خواهد بود. اول مراحل طرح اندیشه ولایت فقه توسط امام خمینی (ره) و فصل دوم بررسی ثبات و تحول در نظریه امام خمینی (ره). و در پایان هم نتیجه گیر رساله می‌باشد.

بخش اول

سیری اجمالی از بحث ولایت فقیه

از آغاز تا مشروطه

فصل اول: ضرورت حکومت

۱ - ضرورت قانون برای جامعه

قانون مجموعه بایدها و نبایدهایی است که شیوه رفتار انسانها را در زندگی اجتماعی تعیین می‌کند. جهت اثبات «ضرورت قانون برای جامعه» دلیل شامل دو مقدمه و یک نتیجه ارائه می‌گردد.

مقدمه نخست:

انسان موجودی اجتماعی و مدنی است. از طرف دیگر عامل عقلانی و اختیاری در انتخاب زندگی اجتماعی موثر است. بدین معنی است که انسان چون زندگی اجتماعی منافی برای خویش می‌بیند و ملاحظه می‌کند نیازهای مادی و معنوی اش بدون زندگی اجتماعی تأمین نمی‌شود یا به صورت مطلوب و کامل برآورده نمی‌شود به زندگی اجتماعی تن می‌دهد و شرایط آن را می‌پذیرد.

مقدمه دوم:

لازمه زندگی اجتماعی، وجود اصطکاکها و برخوردها بین منافع افراد و جامعه است یعنی وقتی مردم بخواهند زندگی اجتماعی داشته باشند و با یکدیگر همکاری کرده و دستاوردهای این همکاری را میان خود تقسیم کنند بین منافع و خواسته‌های آنها برخوردهایی صورت می‌گیرد. کسانی می‌خواهند سهم بیشتری ببرند فلذا قوانین را برای جلوگیری از این اصطکاکها و برخوردها وضع کردند.

با ضمیمه این دو مقدمه نتیجه می‌گیریم که وجود قانون برای جامعه ضرورت دارد.

۲ - حکومت یک ضرورت اجتماعی

وضع قانون با تطبیق آن بر شرایط اجتماعی خاص، نیاز به نهاد قانونگذار دارد. اجراء قانون و پیاده کردن آن در سطح جامعه و نظارت بر شئون عمومی مردم، برقراری امنیت داخلی و دفاع در برابر تجاوز خارجی نیازمند به دستگاه اجرایی مناسب است. جلوگیری از تخلفات افراد و گروهها و

اجرای عدالت، دستگاه قضایی ویژه‌ای را می‌طلبد. مجموعه این نهادها و دستگاهها، نهاد فراگیری بنام «حکومت و دولت» را می‌سازند. این مطلب اختصاص به گروه و یا زمان خاص ندارد. بلکه در همه اجتماعات بشری در همه زمانها احتیاج به تشکیلات حکومتی که جامعه را اداره کند دارند. علی (ع) در اثبات این ضرورت عقلی می‌فرماید:

«وانه لا بد للناس من امیر بر او فاجر بعمل فی امرته المومن و یستمع فیها الکافر یبلغ الله فیها الاجل و یجمع به الفی و یقاتل به العدو و تامن به السبل و یوخذ به للضعیف من القوی حتی یستریح بر و یستراح من فاجر»^(۱)

ناچار برای مردم امیر لازم است، خواه نیکوکار باشد یا بدکار، مومن در امارت و حکومت او به طاعت مشغول شود و کافر بهره خود را یابد و خداوند در زمان او هر که را به اجل مقدر رساند و توسط او مالیات جمع گردد و با دشمن جنگ شود و راهها ایمن گردد. حق ضعیف و ناتوان از قوی ستکار گرفته شود، تا نیکوکار در رفاه و از (شر) بدکار آسودگی پدید آید. حضرت در این سخن به چند امر حکومتی اشاره کرده است:

جلوگیری از تجاوز دشمن، دریافت درآمدهای عمومی، جنگیدن با دشمنان، تضمین امنیت داخلی و اجرای عدالت. که اینها از ضروری‌ترین نیازهای هر جامعه است که باید بوسیله حکومت برآورده شود.

۳ - ضرورت حکومت اسلامی

حکومت اسلامی هم بنابر دلایلی یک ضرورت است که این دلایل هم مربوط به زمان حضور معصوم (ع) است و هم غیبت. اسلام هم بعنوان مکتب جامع و کامل اقتضاء می‌کند هم برای عصر حضور حاکم را معین می‌کند و هم برای عصر غیبت حاکمان با کفایت و صلاحیت را مشخص کند و مردم را سرگردان و بلا تکلیف نگذارد. و از آنجائیکه دین اسلام و احکام و قوانین آن محدود و منحصر به زمان و مکان خاصی نیست بلکه دینی جهانی و جاودانی برای همه نسلها، در تمام عصرها بوده و اختصاص به زمان پیامبر (ص) و معصومین (ع) نداشته و هیچگاه تعطیل پذیر نیست، بنابراین اجرای

۱ - نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۴۰، ص ۱۲۵.

قوانین اسلام و نشر معارف دین در زمان غیبت اما (ع) نیز ضرورت دارد برای تحقق این امر، نیاز به حکومت و ضرورت تشکیل آن بدیهی است. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید:

«مجموعه قوانین برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای اینکه قانون مایه اصلاح و سعادت بشر شود به قوه اجرائیه احتیاج دارد. روی این جهت خداوند متعال در کنار فرستادن یک مجموعه قانون، یک حکومت و دستگاه اجراء و اداره مستقر کرده است اصولاً قانون و نظامات اجتماعی مجری لازم دارد. در همه کشورهای عالم و همیشه اینطور است»^(۱).

و در جای دیگر فرمود:

«از غیبت صفری تاکنون که هزار و چند صد سال می‌گذرد و ممکن است صد هزار سال دیگر بگذرد و مصلحت اقتضاء نکند که حضرت تشریف بیاورد، در طول این مدت مدید احکام اسلام باید زمین بماند و اجراء نشود؟ و هر که کاری خواست بکند؟ هرج و مرج است؟ قوانینی که پیامبر اسلام (ص) در راه بیان و تبلیغ و نشر اجراء آن ۲۳ سال زحمت طاقت‌فرسا کشید فقط برای مدت محدود بود؟ آیا خدا اجراء احکامش را محدود کرد به دوست سال؟ هر که اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد منکر ضرورت اجراء احکام اسلامی شده و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین را انکار کرده است»^(۲).

و دلیل دیگر ضرورت حکومت، ماهیت و کیفیت قوانین اسلام است که برای تکوین یک دولت و برای اداره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریح گشته است. احکام مالی و مالیات‌هایی که در اسلام وضع شده برای تشکیل حکومت و تامین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است. احکام دفاع و تجهیز سپاه و تهیه و تدارک امکانات نظامی و دفاعی و احکام حقوقی و جزائی که بخش بزرگی از فقه اسلامی را تشکیل می‌دهد. و دلایل نقلی فراوانی است که به این مطلب اشاره دارد که ما تنها به یک روایت از امام رضا (ع) در ضرورت حکومت اسلامی و اطاعت «ولی امر» اشاره می‌کنیم:

فضل بن شاذان نیشابوری نقل کرده که حضرت رضا (ع) در جواب این سؤال که چرا «اولی الامر»^(۳) قرار داده شده و مردم بر اطاعت آنان مأمور شده‌اند؟ فرمودند:

۱ - امام خمینی، حکومت اسلامی، ص ۲۶.

۲ - امام خمینی، حکومت اسلامی، ص ۳۰ و ۳۱.

۳ - اشاره به آیه اطعیوا و اطعیوا الرسول و اولی الامر منک. نساء ص ۵۹.

«... فان قال قائل لم جعل اولی الامر و امر بطاعتهم؟ قيل لعلل كثيرة و منها: ان الخلق لما و فقوا على حد محدود و مروا ان لا يتعدوا تلك الحدود لمافيه من فسادهم، لم يكن يثبت ذلك و لا يقوم الا بان يجعل فيه اميناً يمنعهم من التعدي و الدخول فيما خطر عليهم، لانه لو لم يكن ذلك كذلك، لكان احد لا يترك لذاته و منفعتة لفساد غيره، فجعل عليهم قيماً يمنعهم من الفساد و يقيم فيهم الحدود و الاحكام.

و منها انا لانجد فرقة من الفرق و لاملة من الملل بقوا و عاشور الا بقیم و رئیس و لما لا بد لهم منه فی امرالدین و الدنیا، فلم یجز فی حکمة الحکیم ان یترک الخلق مما یعلم انه لا بد لهم منه و لا قوام لهم الا به فیقاتلون به عدوهم و یقسمون به فیئهم و یقیم لهم جمعتهم و جماعتهم و یمنع ظالمهم من مظلومهم» (۱).

اگر کسی بپرسد چرا خدای حکیم اولی الامر قرار داده و امر به اطاعت آنان کردن جواب داده خواهد شد به علل و دلایل بسیار چنین کرده است: از آن جمله این که برای مردم حدود و قوانینی قرار داده باشد و امر شده‌اند که این مرزها را زیر پا نگذارند و تجاوز نکنند، زیرا موجب فساد و تباهی آنان می‌گردد و این امر تحقق پیدا نمی‌کند و پابرجا نمی‌گذارد، مگر آنکه فردی امین بر آنان گمارده شود که آنها را از تعدی و داخل شدن در محدوده ممنوعه باز دارد، زیرا اگر چنین کسی نباشد هیچ کس خواهشها و منافع خود را رها نمی‌کند و هر کس به دنبال تأمین هوسهای خود و تجاوز به دیگران است. بدین جهت حاکمی قرار داده شده تا آنان را از فساد منع کرده، حدود و احکام را در میان مردم اجراء کند. و دلیل دیگر اینکه ما هیچ فرقه‌ای را از فرقه‌ها و ملتی را از ملتها نمی‌یابیم که باقی مانده باشند و زندگی کنند مگر بوسیله رئیس و زمامداری، زیرا مردم برای کار این و دنیای خویش ناگزیر به او نیازمندند، پس بر حکمت خودی حکیم جایز نبود که مردم را واگذارد و به امر حکومت مردم توجه نکند. در صورتیکه می‌داند این چیزی است که مردم چاره از آن ندارند و جامعه پابرجا نمی‌ماند. مگر در سایه آن، تا با رهبری او با دشمنان خود بجنگند و درآمد عمومی را تقسیم کنند. و نماز جمعه و جماعت را برای آنان اقامه کند و شر ظالم را از مظلوم دفع و رفع نماید. و باز از جمله آن علل و دلایل اینست که اگر برای آنان امام برپا نگهدارنده نظم و قانون، خدمتگزار امین و نگاهبان،